

## نسخه‌ها و طبع‌های رساله گلستان هنر<sup>۱</sup>

از زمانی که نام قاضی احمد منشی قمی و رساله کم‌نظیرش *گلستان هنر* درباره خطاطان و نقاشان توجه گروهی از هنرشناسان جهان را نخستین بار به خود معطوف کرد، نزدیک به هشتاد سال می‌گذرد. در این سالها چندین تن از پژوهشگران تاریخ هنر ایران در پی شناسایی هویت قاضی احمد و تعیین درجه اعتبار رساله او برآمدند. با نسخه‌های متعددی که در نقاط مختلف جهان از رساله قاضی احمد به دست آمد، بیشتر تلاش محققان صرف معرفی و بررسی درستی و نادرستی و وجوه افتراق و اشتراك این نسخه‌ها شد.

حاصل تحقیقات جمعی از هنرپژوهان ایرانی درباره رساله قاضی احمد سالها پیش به صورت مقالاتی در برخی نشریات هنری و تاریخی کشور به اطلاع عموم رسید و نسخه‌ای از این رساله نیز به اهتمام یکی از همین پژوهشگران تصحیح و منتشر شد، که پس از این درباره آن سخن خواهیم گفت.

اکنون سالهاست که تحقیق در زمینه شناخت این اثر مهم هنری و تاریخی، که از معدود منابعی است که منحصرأ به شرح تاریخ زندگی و هنر هنرمندان ایران می‌پردازد، متوقف شده است و همگان از همان نسخه انتشاریافته استفاده می‌کنند. در این نوشتار، تلاش بر آن است که ضمن گردآوری و جمع‌بندی مجموعه اطلاعات مقالاتی که پیش از این درباره رساله قاضی احمد به نگارش درآمده، مقدمه‌ای برای از سرگیری مطالعه و ارزیابی این کتاب فراهم شود.

### شناسایی نسخه‌های خطی

برخلاف نظر پژوهشگران غربی که زنده کردن دوباره نام قاضی احمد را از پس سه قرن فراموشی به شرق شناس روس پروفیسور سیمونوف<sup>(۱)</sup> نسبت می‌دهند، خبری بدین قرار در دست است که بیش از یکصد و هشتاد سال پیش، حاج ملا احمد فاضل نراقی در کتاب خود به نام *خزائن* از قاضی احمد در زمره اهل فضل زمانه یاد کرده و نمونه‌ای از نامه‌های او را خطاب به یکی از فاضل‌زاده‌های ولایت جاسب<sup>۲</sup> ارائه کرده است.<sup>۳</sup>

از آن پس نام قاضی احمد تا مدتها به فراموشی سپرده شد؛ تا آنکه در سال ۱۹۲۵ سیمونوف روس در مقاله‌ای ضمن آوردن نام قاضی احمد، از نسخه خطی مصوری از

*گلستان هنر* قاضی احمد قمی از رساله‌های دوره صفویه درباره خطاطان و نقاشان و آداب و افزارهای خط و نقاشی است. این رساله را از آن جهت مهم شمرده‌اند که در زمره نخستین تاریخ‌نامه‌های هنر در ایران است. سالهاست که ترجمه روسی و انگلیسی *گلستان هنر* منتشر شده و مورخان هنر ایران در سرتاسر جهان بدانها استناد کرده‌اند. نسخه‌ای از *گلستان هنر* نیز به زبان فارسی، اما تنها با تکیه بر یک نسخه و بدون تصحیح انتقادی، به کوشش احمد سهیلی خوانساری و با مقدمه مفصل و تحقیقات او، افزون بر سی سال پیش منتشر و بارها تجدید چاپ شده است. با آنکه محققان در صحت همه مطالب *گلستان هنر* متفق نیستند، این کتاب همچنان از مهم‌ترین اسناد تاریخ هنر ایران است. جای آن است که اکنون پس از گذشت بیش از شش دهه از انتشار ترجمه روسی، نزدیک به پنج دهه از ترجمه انگلیسی، و بیش از سه دهه از نخستین طبع *گلستان هنر* به فارسی، طبیعی انتقادی از این کتاب منتشر شود. برای فراهم آوردن مقدمه و تبیین ضرورت چنین کاری، نویسنده این مقاله پیشینه موضوع و اقوال محققان ایرانی درباره این کتاب را گردآوری و تدوین کرده است. *گلستان هنر*

(1) A. A. Semenov

همچنین یادداشتهای متعدد مترجم در شرح برخی مطالب همراه است. زاخودر این کتاب را در سال ۱۳۲۶ش/ ۱۹۴۷م با نام *رساله علمی درباره خوشنویسان و نقاشان* منتشر کرد. او نه صفحه از دیباچه رساله را، که سرشار از استعارات و کنایات ترجمه‌نشده بود، از روی نسخه خطی عکس‌برداری کرد و عیناً به چاپ رساند.<sup>۸</sup>

در شماره چهارم مجله *پیام نو* به تاریخ تیرماه سال ۱۳۲۷ش، مقاله‌ای بدون امضا به نام «یک نسخه قدیمی ایرانی که در اتحاد شوروی چاپ شده است» درج شد که به توصیف ترجمه زاخودر اختصاص داشت. با آنکه نویسنده این مقاله به بحث درباره *گلستان هنر* و مؤلف آن قاضی احمد پرداخته، در همه جا از آن با عنوان *رساله علمی* یاد کرده و از *گلستان هنر* نامی به میان نیاورده است. در بخشی از این مقاله آمده است:

رساله علمی قاضی احمد عبارت است از گلچینی ادبی (آنتولوژی)، که در ایران شهرت و نمونه‌های زیادی دارد. لیکن رساله قاضی احمد بر سایر این نوع رساله‌ها این مزیت را دارد که به شرح تعلیمات درباره اساس و قواعد رسم‌الحظ اکتفا نمی‌نماید؛ بلکه مؤلف وظایف دیگری برای خود تعیین می‌کند. رساله او عبارت است از مجموعه تراجم احوالی که به ترتیب قدمت زمانی در هر یک از فصول آن گنجانده است. رساله قاضی احمد مقدم بر وقایع‌نگاری، جنبه تاریخی و هنری دارد.<sup>۹</sup>

خاورشناس روس دیگری به نام ولادیمیر مینورسکی<sup>(۴)</sup> پس از مطالعه و بررسی ترجمه زاخودر به برخی نواقص آن پی برد و تصمیم گرفت با به‌دست آوردن نسخه‌های خطی دیگر، متنی جامع‌تر از رساله را به زبان انگلیسی ترجمه کند. کلارا سیسیل ادواردز که خود به علت بیماری از ادامه کار بر روی رساله بازمانده بود، پس از آگاهی از قصد مینورسکی نسخه خطی لندن را به او تسلیم کرد. همچنین با اجازه هیئت امنای کتابخانه سالار جنگ، عکسی از نسخه خطی حیدرآباد نیز در اختیار وی قرار گرفت.<sup>۱۰</sup>

مینورسکی با مقابله نسخه‌های لندن و حیدرآباد توانست بسیاری از نواقصی را که بر اثر کاستیهای نسخه مسکو به ترجمه روسی زاخودر راه یافته بود، برطرف کند و بخشهایی را هم که زاخودر به دلیل نامفهوم بودن، به‌عمد حذف کرده بود، کامل سازد. علاوه بر این، وی براساس

آثار او که در موزه فرهنگهای آسیایی (خاوری) مسکو موجود بود، یاد کرد. ده سال بعد زاخودر<sup>(۲)</sup>، که او نیز از خاورشناسان روس بود، در مقاله «رساله‌ای در باب خوشنویسان و هنرمندان» به معرفی این اثر برجسته پرداخت. تا آن زمان گمان می‌رفت که نسخه مسکو یگانه نسخه موجود از این رساله است؛ اما در سال ۱۹۳۹، نسخه دیگری که در اختیار خانم کلارا سیسیل ادواردز<sup>(۳)</sup> بود، در لندن شناسایی شد. خانم ادواردز در تدارک مقاله‌ای برای معرفی نسخه خود بود که انتشار مقاله‌ای در شماره ششم مجله *رمغان* (۱۳۱۷ ش) از زهرا داعی‌زاده که از وجود نسخه خطی دیگری در حیدرآباد هندوستان خبر می‌داد، تصور او را در یگانه بودن نسخه‌اش باطل کرد.<sup>۴</sup>

از این تاریخ تا مدتها بعد، سه نسخه مذکور تنها نسخه‌های شناخته‌شده از رساله قاضی احمد بود؛ اما در بهار سال ۱۳۳۶ش، حاج حسین نججوانی با نوشتن مقاله‌ای در نشریه دانشکده ادبیات تبریز اعلام کرد که نسخه‌ای از *گلستان هنر* نوشته قاضی احمد بن میرمنشی قمی، مورخ و مؤلف دوره صفویه، که در زمان شاه عباس کبیر تألیف کرده، نزد اوست و افزود که در این کتاب شرح حال یکصدویست و پنج نفر از خطاطان و خوشنویسان و چهل و یک نفر از نقاشان و مذهبیان دوره صفویه آمده است.<sup>۵</sup> با همین مقاله بود که برای نخستین بار، رساله خطاطان و نقاشان قاضی احمد با نام *گلستان هنر* شناخته شد.

درست یک سال بعد، زهرا حسنی (داعی‌زاده) در مقاله‌ای که در شماره پنجم مجله *نقش و نگار* به چاپ رساند، از نسخه‌ای دیگر از رساله *گلستان هنر* سخن گفت که در حیدرآباد هندوستان و در کتابخانه سالار جنگ مشاهده کرده بود. وی در این مقاله آورده که نام صدو شصت و دو تن خوشنویس در رساله نوشته شده است.<sup>۶</sup>

### ترجمه‌های رساله قاضی احمد

زاخودر دوازده سال بعد از انتشار نخستین مقاله خود، رساله قاضی احمد را از روی نسخه خطی مسکو به زبان روسی ترجمه کرد. این ترجمه با فهرست و مقدمه‌ای مفصل<sup>۷</sup>، حاوی اطلاعاتی جامع و محققانه درباره نویسنده و آثار دیگر او، شرحی درباره مطالب رساله و منابع مورد استفاده قاضی احمد در تدوین رساله و گستره جغرافیایی رساله و شهرهایی که قاضی احمد در رساله بدانها پرداخته است و

(2) B. N. Zakhoder

(3) Clara Cecil Edwards

(4) Vladimir Minorski

نسخه حیدرآباد، که ظاهراً روایتی دیگر از رساله قاضی احمد بود، نکاتی تازه به ترجمه خود افزود. بدین ترتیب، ترجمه انگلیسی مینورسکی صورتی ترکیبی یافت. وی در نهایت برای تکمیل کار خود از نسخه خطی هیتس<sup>(۵)</sup> (معروف به هینز)، که درباره آن سخن خواهیم گفت، هم استفاده کرد.<sup>۱۱</sup>

مینورسکی در کار خود از ترجمه روسی زاخودر بسیار بهره برد — از جمله از مقدمه فاضلانۀ زاخودر که همسر مینورسکی آن را از روسی به انگلیسی برگردانده بود. با این حال با منابع جدیدی که در اختیار داشت، ترجمه انگلیسی وی به صورت کتابی کاملاً مستقل شکل گرفت. این ترجمه با نام *خوشنویسان و نقاشان* در سال ۱۳۳۸ش / ۱۹۵۹م منتشر شد.<sup>۱۲</sup>

#### انتشار رساله در ایران

سرانجام مرحوم احمد سهیلی خوانساری براساس نسخه‌ای رونویسی شده از روی تنها نسخه خطی موجود در ایران که متعلق به حاج حسین نججویی در تبریز بود، کار بررسی و تصحیح متن رساله را آغاز کرد. وی پس از تصحیح متن، مقدمه مشرووحی در سه فصل به آغاز کتاب افزود: فصل اول، «تاریخ و پیدایش خط عربی و فارسی»؛ فصل دوم، «تاریخ نقاشی و نقاشان مشهور»؛ فصل سوم، «قاضی میراحمد منشی و تألیفات او». مقدمه مرحوم سهیلی حاوی اطلاعات مفیدی است که خواننده را برای ورود به متن رساله آماده می‌کند. سهیلی در انتهای این مقدمه می‌گوید که به‌رغم تلاشهای مکرر او برای به دست آوردن عکس نسخه خطی مسکو، درخواستش اجابت نشده و در نهایت برای تصحیح متن تنها به رونوشتی اکتفا کرده که شخصاً از نسخه نججویی برداشته است.<sup>۱۳</sup> این کتاب را، با مقدمه طولانی و تعلیقات احمد سهیلی خوانساری، بنیاد فرهنگ ایران در سال ۱۳۵۲ش با نام *گلستان هنر منتشر* کرد.

در اینجا باید افزود که از رساله قاضی احمد سهیلی رونوشت دیگر نیز در ایران وجود داشت: یکی که از روی نسخه نججویی رونویسی شده و در اختیار مرحوم دکتر مهدی بیانی بود؛ و دو نسخه دیگر که هر دو رونوشت نسخه حیدرآباد هندوستان بود و به مرحوم عباس اقبال و زهرا داعی‌زاده تعلق داشت.<sup>۱۴</sup>

#### تحریرهای دو گانه رساله قاضی احمد

پس از شناسایی نسخه‌های خطی متعددی که از نقاط مختلف جهان به دست آمد و انتشار نسخه‌های ترجمه و تصحیح شده به دست زاخودر و مینورسکی و سهیلی خوانساری، معلوم شد که این نسخه‌ها در برخی موارد با یکدیگر اختلافهایی دارند. مثلاً در نسخه مسکو، پس از دیباچه و مقدمه سه فصل و یک خاتمه وجود دارد؛ حال آنکه در نسخه نججویی، چهار فصل و یک خاتمه آمده است. با مقایسه نسخه‌های مختلف، به‌زودی مشخص شد که قاضی احمد در دو مقطع مختلف از زندگی، دو بار رساله‌اش را تحریر کرده است. با بررسی مطالب رساله می‌توان به مهم‌ترین موارد اختلاف میان دو تحریر پی برد. طرح مطالب در تحریر نخست چنین است:

۱. دیباچه، در حمد باری و نعت نبی و منقبت ائمه اثنی عشر و ستایش شاه عباس اول. نویسنده در پایان دیباچه به مدح خان زمان، ابوالمنصور فرهادخان قرامانلو، سردار دلیر و محبوب شاه عباس، پرداخته و رساله را به او تقدیم کرده است.

۲. مقدمه، در باب احداث قلم و پیدا شدن خط و اسناد آن به حضرت امیرالمؤمنین علی (ع)

۳. فصل اول، در بیان خط ثلث و مایشابیه

۴. فصل دوم، در ذکر خط تعلیق

۵. فصل سوم، در شرح خط نستعلیق به همراه رساله منظوم *صراط السطور* از سلطان علی مشهدی

۶. خاتمه، در احوال نقاشان و مذهبیان و عکس‌سازان و قاطعان خط و افشانگران و رنگ‌آمیزان و صحافان.

چنان‌که گفتیم قاضی احمد در دیباچه تحریر نخست، رساله خود را به فرهادخان قرامانلو تقدیم کرد. این سردار پس از فتح گیلان در سال ۱۰۰۳ق، به اندازه‌ای مورد توجه شاه عباس قرار گرفت که او را فرزند خود خواند. قاضی احمد رابطه این دو شخص را در دیباچه خود چنین توصیف می‌کند:

شاه با خان خود پدر پسرند

بی تکلف قرین یکدگرند

چون دو شمشیر و یک غلاف آمد

بهر تسخیر مُلک در سفرند

به گفته احمد گلچین معانی، مصرع «بهر تسخیر ملک در سفرند» اشاره به سفری است که شاه عباس و فرهادخان

در اواخر سال ۱۰۰۶ق به قصد جنگ با دین محمدخان ازبک به خراسان کردند. او تاریخ ذکر شده را زمان تدوین اول رساله می‌داند.<sup>۱۵</sup> مینورسکی نیز معتقد است که با توجه به آخرین تاریخ ثبت شده در نسخه‌های مسکو و ادواردز، که ۱۰۰۳ق است، تاریخ تدوین آن را باید در حدود سال ۱۰۰۵ق دانست.<sup>۱۶</sup> نکته شایان توجه اینکه در هیچ یک از نسخه‌های موجود تدوین اول، اثری از نام معروف کتاب دیده نمی‌شود.

قاضی احمد سالها بعد، در رساله تجدید نظر کلی و آن را بازنویسی کرد و تدوین مطالب را به این صورت تغییر داد:

۱. دیباچه، در حمد باری و نعت نبی و منقبت ائمه اثنی عشر و سبب تألیف کتاب
۲. مقدمه، در باب احداث قلم و پیدا شدن خط و اسناد آن
۳. فصل اول، در بیان خط ثلث و مایشابیه (با ذکر پنجاه و هشت تن از استادان این خط)
۴. فصل دوم، در ذکر خط تعلیق (با ذکر سی و هشت تن از استادان این خط)
۵. فصل سوم، در شرح خط نستعلیق (با ذکر شصت و هفت تن از استادان این خط) به همراه رساله منظوم *صراط السطور*، اثر سلطان علی مشهدی
۶. فصل چهارم، در ذکر احوال نقاشان و مذهببان و عکس‌سازان و قاطعان خط و افشانگران و صحافان (با ذکر چهل و یک تن از استادان فن)
۷. خاتمه در باب تذهیب و جدول و رنگ الوان و ساختن مرکب به انواع مختلف.<sup>۱۷</sup>

در تحریر دوم رساله، از رویدادهایی به سال ۱۰۰۷ق و حتی ۱۰۱۵ق نیز یاد شده است. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که قاضی احمد تحریر دوم رساله خویش را احتمالاً در حدود دوازده سال پس از تحریر اول نگاشته است. از عمده‌ترین تغییرات رساله در تحریر دوم یکی این است که نام فرهادخان قرامانلو و شاه عباس — که در تحریر نخست، رساله بدانها تقدیم شده بود — به کلی از دیباچه حذف شده؛ و دیگر اینکه نظام مطالب متن اصلی در بسیاری موارد دگرگون شده و گاهی نیز ترتیب شرح احوالها و برخی اشعار منقول از نو تنظیم شده است.<sup>۱۸</sup> همان گونه که وقایعی مانند تغییر و تبدیل برخی رجال درباری و همچنین انتقال

پایتخت از قزوین به اصفهان، که در تحریر دوم بدانها اشاره شده، در تحریر اول نیست؛ برخی مطالب تحریر اول نیز در تجدید نظر به کلی حذف شده است. مثلاً بخشی از مطالب تحریر اول درباره ارتباط قاضی احمد با آقا رضا مصور کاشانی در تحریر دوم اصلاً دیده نمی‌شود:

هرچند این حقیر افتخار ملاقات او را نداشته و او با این جانب آشنا نیست، مع هذا مابین ما یک واسطه استادی و شاگردی وجود دارد؛ زیرا در ایامی که پدر آقا رضا در مشهد مقدس بود و در کتابخانه نواب ابوالفتح میرزا کار می‌کرد، او تقریباً ده سال در خانه پدر این حقیر، که منصب وزارت نواب شاهزاده را داشت، می‌زیست و این حقیر رسم پیچک را نزد او آموختم و به واسطه نزدیکی قم به کاشان با هم عالم یگانگی داشتیم.<sup>۱۹</sup>

به اعتقاد مرحوم احمد گلچین معانی، انگیزه تجدید نظر قاضی احمد به دو حادثه وابسته بود که در محرم و صفر سال ۱۰۰۷ق رخ داد: یکی اینکه فرهادخان قرامانلو به سبب شکستی که در محرم سال ۱۰۰۷ق در چهارفرسنگی هرات از سپاهیان ازبک خورد، مغضوب شاه عباس شد و در ۲۷ محرم ۱۰۰۷ق، به فرمان شاه و به دست الله وردی خان، والی فارس، به قتل رسید؛ رویداد دیگر اینکه قاضی احمد که «منصب استیفای دفتر شرعیات و وزارت دیوان صدارت» را عهده‌دار بود، در ماه صفر همان سال اندکی پس از واقعه کشته شدن فرهادخان، به واسطه بدگوییهای میرصدرالدین محمد میرزا شرف جهان قزوینی مغضوب شاه شد<sup>۲۰</sup> و این ماجرا به برکناری و خانه نشین شدن وی انجامید.<sup>۲۱</sup>

در پایان دیباچه تحریر دوم، قاضی احمد ضمن ابیاتی به نام رساله اشاره می‌کند:

شکفته باد یا رب گلشن جان  
بدین گلها که آمد رشک بستان  
خرد چون چشم دل سوبش گشاده  
گلستان هنر نامش نهاده  
چو گلزار ارم از بهر خوبان  
فقیرش داده ترتیبی بدین سان<sup>۲۲</sup>

### مشخصات نسخه‌های خطی

اکنون می‌توان با توجه به مطالب گفته شده درباره نسخه‌ها و تحریرهای اول و دوم رساله، ویژگیهای هر یک از نسخه‌های خطی را جداگانه بررسی کرد.

### نسخه مسکو

حدی کوتاه ساخته است. این نسخه با ۱+۴۴ برگ در ۱۷ و ۱۸ سطر به ابعاد  $۳/۸ \times ۶/۷$  و  $۱۷/۲ \times ۹/۶$  سانتی متر تدوین شده است. به علت افتادگیهای آغاز کتاب، نام اصلی آن مشخص نیست و نام مؤلف نیز از لا به لای متن به دست می آید. اما در صفحه عنوان آن نوشته اند: «تذکره اسامی خوشنویسان و مصوران و مذهبیان». ۲۷ از مجموع این مشخصات می توان چنین استنباط کرد که این نسخه نیز تحریر نخستین رساله است. شایان ذکر است که به غیر از مرحوم محمدتقی دانش پزوه، هیچ یک از محققان و نسخه شناسان از وجود چنین نسخه ای یاد نکرده اند.

### نسخه دوم کتابخانه سالار جنگ

این نسخه، به گفته مینورسکی، ۷۶ صفحه ۱۶ سطر دارد و قطع آن  $۱۷ \times ۱۲$  سانتی متر و سطح نوشته شده آن  $۱۵ \times ۹$  سانتی متر است؛ ۲۸ با خط شکسته شفیعی نوشته شده و هیچ تصویر ندارد. دانش پزوه آن را متعلق به قرن سیزدهم هجری می داند. همان طور که ذکر شد، مینورسکی عکس این نسخه را در اختیار داشت و از روی آن دریافت که متن آن با نسخه های مسکو و لندن تفاوتی دارد. در نتیجه، معلوم شد که نسخه دوم حیدرآباد به تحریر دوم رساله قاضی احمد مربوط می شود. از آنجا که یک صفحه و نیم از آغاز نسخه مفقود شده، در اینجا هم نشانی از نام رساله نیست. ۲۹ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران دو میکروفیلم به شماره ۴۸۳۲ و ۴۸۳۵ از نسخه سالار جنگ هست که معلوم نیست مربوط به نسخه اول این کتابخانه است یا نسخه دوم.

### نسخه حاج حسین نخجوانی

این نسخه، همچون نسخه دوم کتابخانه سالار جنگ، تحریر دوم رساله قاضی احمد است و تنها نسخه ای است که نام کتاب و نام مؤلف هر دو در آن آمده است. ۳۰ مطابق توصیف حاج حسین نخجوانی، این نسخه نام و شرح حال ۱۶۵ خوشنویس و ۴۱ نقاش و مذهب و صحاف را در بردارد. از سایر ویژگیهای این نسخه اطلاعی در دست نیست؛ تنها می دانیم که در قرن یازدهم هجری نوشته شده است. ۳۱

چنان که دیدیم، این نسخه قدیمی ترین نسخه کشف شده از رساله قاضی احمد است و در موزه فرهنگهای شرقی مسکو نگهداری می شود. گفته شده که قاضی احمد این نسخه را با خط نستعلیق بسیار زیبا شخصاً برای اهدا به ابوالمنصور فرهادخان قرامانلو نوشته بود. ۲۳ این نسخه دارای ۷۵ برگ و ۱۵۰ صفحه در قطع  $۲۴/۵ \times ۱۵$  سانتی متر است و هر صفحه آن ۱۴ سطر دارد. ۸ تصویر نگارگری نیز در این نسخه هست و با جلد چرمی قهوه ای کم رنگ و طلاکوب صحافی شده است. در سرآغاز کتاب نام مؤلف و شاه عباس و فرهادخان آمده، اما عنوان کتاب محو شده است. ۲۴ از همین رو، زاخودر که ترجمه روسی رساله را تنها براساس نسخه مسکو به انجام رساند، نام رساله را نیافت و آن را با نام رساله علمی درباره نقاشان و خوشنویسان منتشر کرد. ناگفته پیداست که این نسخه تحریر نخست رساله قاضی احمد است.

### نسخه لندن

نسخه لندن نسخه ای دیگر از تحریر اول رساله است که در اختیار خانم کلارا سیسیل ادواردز، خاورشناس بریتانیایی قرار داشت، که گویا آن را در ایران به دست آورده و خریداری کرده بود. چنان که گفتیم، وی در سال ۱۹۴۹ تصحیح این کتاب را آغاز کرده بود؛ اما به علت بیماری، در سال ۱۹۵۱ ادامه کار را به مینورسکی واگذار کرد. این نسخه ۸۸ برگ دارد، هر صفحه با ۱۲ سطر، که در ابعاد  $۲۳ \times ۱۴$  سانتی متر صحافی شده است. این نسخه نیز با حاشیه ای بسیار زیبا به خط نستعلیق نوشته شده و از فصل یکم آغاز می شود. ۲۵ شاید به همین علت باشد که مینورسکی نیز، مانند زاخودر، نتوانست عنوان رساله را در ترجمه انگلیسی خود بیاورد. در این نسخه نیز ۸ تصویر بسیار زیبا هست که به شدت آسیب دیده است. ۲۶

### نسخه نخست کتابخانه سالار جنگ

بنا به گفته مرحوم محمدتقی دانش پزوه، این نسخه به شماره ۵۹۸ در کتابخانه سالار جنگ بهادر در حیدرآباد دکن، در هندوستان، نگهداری می شود. این نسخه را شخصی به نام علاءالدوله موسوی، احتمالاً بین سالهای ۱۰۰۵ و ۱۰۲۹ق، به خط نستعلیق نوشته و مطالب آن را گزیده و تا

این نسخه در اختیار هینتس، شرق‌شناس آلمانی، بوده و تنها کسی که از وجود آن یاد کرده مینورسکی است. وی ضمن سفری به تهران در سال ۱۹۵۴، از وجود نسخه حاج حسین نخجوانی آگاه شد و رونوشتی از همین نسخه را که نزد مرحوم دکتر مهدی بیانی بود مشاهده و سپس اظهار کرد که مطالب آن با آنچه در نسخه خطی هینتس آمده مشابه است. از اینجا می‌توان دریافت که نسخه هینتس هم نسخه‌ای از تحریر دوم گلستان هنر است.<sup>۳۲</sup> شگفت آنکه هیچ‌یک از محققان — حتی مرحوم دانش‌پژوه که فهرستی دقیق از نسخه‌های خطی گلستان هنر فراهم آورده — از نسخه هینتس سخنی نگفته‌اند.

### نسخه‌های دیگر

نسخه‌های دیگر گلستان هنر از این قرار است: نسخه مرحوم داعی‌الاسلام، که ظاهراً رونوشت نسخه دوم سالار جنگ بود و بعدها به دخترش بانو زهرا داعی‌زاده رسید و او نیز در مقاله‌ای به توصیف آن پرداخت؛ نسخه مرحوم مهدی بیانی، که از روی نسخه نخجوانی نوشته شده است؛ نسخه مرحوم عباس اقبال، که رونوشت ماشین‌شده نسخه دوم سالار جنگ است. مینورسکی که این نسخه را دیده است، آن را جز در برخی اختصارات اندک با نسخه هینتس برابر می‌داند.<sup>۳۳</sup>

### رساله‌های مقتبس از گلستان هنر

در قرن سیزدهم هجری، محمد یوسف لاهیجی قسمتی از کتاب تاریخ کلام الملوك خود را، که به پیدایی خط و شرح حال خطاطان اختصاص دارد، از روی گلستان هنر نوشت و در واقع، گلستان هنر را انتقال<sup>۳۴</sup> کرد.

کسی دیگر به نام غلام‌محمد هفت‌قلمی دهلوی (ف ۱۲۳۹ق) عین عبارات گلستان هنر را در تذکره خوشنویسان خود آورد.

در ماه شعبان سال ۱۳۰۴ق میرزا فضل‌الله‌خان، مشهور به باباخان، خلاصه‌ای از گلستان هنر را برای فرهادمیرزا معتمدالدوله به نگارش درآورد و در آغاز آن چنین نوشت: «بدان که این رساله اختصار احوال مشاهیر خوشنویسان نسخ و ثلث و تعلیق است از کتاب گلستان

### خاتمه

برای تکمیل مطالب، لازم است نمونه‌هایی از اشکالاتی که برخی از پژوهشگران به رساله گلستان هنر قاضی احمد وارد کرده‌اند یاد شود.

نخستین کسی که گلستان هنر را یکسره جعلی و قاضی احمد را دروغ‌پرداز بزرگ تاریخی می‌شمارد فیروز منصوری است. وی در سال ۱۳۶۶ش با انتشار کتاب فهرست اسامی و آثار خوشنویسان قرن دهم هجری قمری و نقد و بررسی گلستان هنر، بیشتر مطالب رساله گلستان هنر را سرسختانه مردود شمرده است. منصوری در مقدمه کتاب خود ابتدا می‌گوید که گلستان هنر از سرقت آثار دیگران، به‌ویژه مقدمه مرقد قطب‌الدین محمد قصه‌خوان یزدی (زنده در سالهای ۹۷۸ و ۹۸۸ و ۹۹۴ق)، که در آن سرگذشت پنجاه‌ودو نستعلیق‌نویس یاد شده،<sup>۳۶</sup> نظام پذیرفته است.<sup>۳۷</sup> سپس در هر فصل از کتاب، فصلی از گلستان هنر را بررسی می‌کند و با ارائه شواهد و قراین مختلف، به اثبات نادرستی بیشتر گفته‌های قاضی احمد می‌پردازد. یادآوری این نکته ضروری است که این محقق تنها به بررسی فصول چهارگانه کتاب پرداخته و به خاتمه کتاب، که در آن قاضی احمد فنون مختلف جدول‌کشی و تذهیب‌کاری و ساختن مرکب و سایر لوازم کتابخانه را شرح می‌دهد، هیچ اشاره‌ای نکرده است.

محمدحسن سمسار نیز در مجلد هفتم دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ذیل شرح حال «میرسیداحمد حسینی مشهدی» (ف ۹۸۶ق)، از خوشنویسان نامدار قلم نستعلیق در دوره صفوی، چند مورد از تناقض و تعارض در گفته‌های قاضی احمد را تذکار می‌دهد. از جمله می‌گوید که در مورد سفر سیداحمد به مازندران و کتابت لویح جامی به دست او، در نسخه‌های متعدد گلستان هنر قاضی احمد گزارشهای گوناگونی آمده است. مثلاً در نسخه‌های حیدرآباد و نسخه سهیلی خوانساری گفته شده که سیداحمد لویح جامی را در مازندران نوشت؛ اما در ترجمه روسی زاخودر، که از روی نسخه مسکو نوشته شده، از کتابت لویح در مازندران ذکری به میان نیامده است.

و دست آخر، مینورسکی هم معتقد است که بخش خاتمه رساله در تحریر دوم به سبک ساده‌بی‌پیرایه است و

احتمالاً آن را کس دیگری نوشته که به هنر رنگ آمیزی آشنایی داشته است، نه خود قاضی احمد.<sup>۳۸</sup> با در نظر داشتن این موارد، بهتر آن است که از رساله گلستان هنر با احتیاط استفاده شود و مطالب آن با رجوع به سایر منابع معتبر ارزیابی گردد. □

## کتابنامه

- حسینی (داعی زاده)، زهرا. «گلستان هنر، کتابی در فنون مختلف نقاشی»، در: نقش و نگار، ش ۵ (بهار ۱۳۳۷)، ص ۲۳-۲۴.
- دانش پژوه، محمدتقی. «آستان قدس رضوی در گلستان هنرقمی»، در: نادر مطلی کاشانی و سیدمحمدحسین مرعشی (گردآورنده)، حدیث عشق (دفتر اول): دانش پژوه در قلمرو جستارهای نسخه‌های خطی، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۱، ص ۳۵۱-۳۵۷.
- \_\_\_\_\_ . «فهرست نسخ خطی کتابخانه مجلس سنا»، در: نسخه‌های خطی، ش ۶، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۸.
- \_\_\_\_\_ . فهرست میکروفیلمهای کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۶۳.
- قطب‌الدین محمد قاصه‌خوان. «دبباجه قطب‌الدین محمد قاصه‌خوان»، در: نجیب مایل هروی، کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی، مشهد، بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲.
- شمسار، محمدحسن. «میرسیداحمد حسینی مشهدی»، در: محمدکاظم موسوی بجنوردی (و.)، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۷، ج ۷.
- گلچین معانی، احمد. تاریخ تذکره‌های فارسی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۰، ج ۲.
- منشی قمی، قاضی احمد. گلستان هنر، تصحیح احمد سهیلی خوانساری، تهران، منوچهری، ۱۳۸۳.
- منصوری، فیروز. فهرست اسامی و آثار خوشنویسان قرن دهم هجری قمری و نقد و بررسی گلستان هنر، تهران، گستره، ۱۳۶۶.
- مینورسکی، و. و ب. ن. زاخودر. «گلستان هنر»، ترجمه آذرمیدخت مشایخ فریدنی، در: مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال ۱۰، ش ۲ (بهار و تابستان ۱۳۷۵).
- نامعلوم، «یک نسخه قدیمی ایرانی که در اتحاد شوروی چاپ شده است»، در: پیام نو، سال چهارم، ش ۴ (تیر ۱۳۲۷).
- نججووانی، حاج حسین. «معرفی کتاب گلستان هنر»، در: نشریه دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز، سال نهم، ش ۱ (بهار ۱۳۳۶)، ص ۱-۱۶.
- نراقی، حسن. «گلستان هنر»، در: هنر و مردم، سال دوازدهم، ش ۱۴۴ (مهر ۱۳۵۳)، ص ۵۷-۶۳.
- Storey, C. A. *Persian Literature, A Bio-Bibliographical Survey, vol. I- part 2*, Luzac & Co. Ltd., London, 1953.
- پی‌نوشتها
- در گردآوری مطالب این مقاله از راهنمایی آقایان مهرداد قیومی بیدهندی، عمادالدین شیخ‌الحکامی، و استاد ایرج افشار بهره فراوان

برده‌ام.

۲. ناحیه‌ای در اطراف قم.

۳. حسن نراقی، «گلستان هنر»، ص ۶۱

۴. مینورسکی و زاخودر، «گلستان هنر»، ص ۶۳.

۵. حاج حسین نججووانی، «معرفی کتاب گلستان هنر»، ص ۲.

۶. زهرا حسینی، «گلستان هنر، کتابی در فنون مختلف نقاشی»، ص ۲۳.

۷. مقدمه زاخودر را، همراه با مقدمه مینورسکی، دکتر آذرمیدخت مشایخ فریدنی به فارسی ترجمه کرده است: مینورسکی و زاخودر، «گلستان هنر».

۸. مشخصات ترجمه زاخودر چنین است:

*Qādī Ahmad Ibrāhīm b. mir munshī al-Husayni, Traktat o kalligrafah i khudzhnikah, 1596-97/1005, Moscow-Leningrad, 1947.*

نک: مینورسکی و زاخودر، «گلستان هنر»، ص ۶۳. میکروفیلم ترجمه روسی رساله قاضی احمد به شماره ۵۷۱۳ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.

۹. پیام نو، ص ۴۶.

۱۰. مینورسکی و زاخودر، همان، ص ۶۳.

۱۱. همان، ص ۷۸.

۱۲. مشخصات کتاب مینورسکی چنین است:

*Calligraphers and Painters, A Treatise by Qadi Ahmad Son of Mir Monshi (circa A. H. 1015/A. d. 1606), translation from the Persian by V. Minorsky, whith an introduction by B. N. Zakhoder, translated from the Russian by T. Minorsky.*

محمدتقی دانش پژوه، «فهرست نسخ خطی کتابخانه مجلس سنا»، ص ۵۴۶.

۱۳. احمد سهیلی خوانساری، «مقدمه» گلستان هنر، ص پنجاه و شش.

۱۴. محمدتقی دانش پژوه، «فهرست نسخ خطی کتابخانه مجلس سنا»، ص ۵۴۶ و ۵۴۷.

۱۵. احمد گلچین معانی، تاریخ تذکره‌های فارسی، ج ۲، ص ۷۰۹.

۱۶. مینورسکی و زاخودر، همان، ص ۷۸.

۱۷. گلچین معانی، همان، ج ۲، ص ۷۱۰.

۱۸. مینورسکی و زاخودر، همان، ص ۷۸.

۱۹. حسن نراقی، همان، ص ۵۹.

۲۰. نک: قاضی احمد، گلستان هنر، ص ۹۷ و ۹۸.

۲۱. گلچین معانی، همان، ج ۲، ص ۷۱۲.

۲۲. قاضی احمد، همان، ص ۶.

۲۳. حسن نراقی، همان، ص ۵۷.

۲۴. محمدتقی دانش پژوه، «فهرست نسخ خطی کتابخانه مجلس سنا»، ص ۵۴۳.

۲۵. محمدتقی دانش پژوه، «آستان قدس رضوی در گلستان هنرقمی»، ص ۳۵۴.

۲۶. مینورسکی و زاخودر، همان، ص ۷۷.

۲۷. محمدتقی دانش پژوه، «آستان قدس رضوی در گلستان هنرقمی»، ص ۳۵۱ و ۳۵۴.

۲۸. مینورسکی و زاخودر، همان، ص ۷۷.

۲۹. محمدتقی دانش پژوه، «آستان قدس رضوی در گلستان هنرقمی»، ص ۳۵۳.

۳۰. همان، ص ۳۵۵.

۳۱. گلچین معانی، همان، ج ۲، ص ۷۱۸.
۳۲. مینورسکی و زاخودر، همان، ص ۷۸.
۳۳. همان جا.
۳۴. انتحال یعنی سخن دیگری را بی تغییر و تصرف و یا به تصرفی اندک به خود نسبت دادن
۳۵. گلچین معانی، همان، ج ۲، ص ۷۱۷.
۳۶. نك: قطب‌الدین محمد قصه‌خوان، «دیاچه قطب‌الدین محمد قصه‌خوان».
۳۷. فیروز منصوری، فهرست اسامی و آثار خوشنویسان قرن دهم هجری و نقد و بررسی گلستان هنر، ص ۱۰.
۳۸. محمد تقی دانش‌پژوه، «آستان قدس رضوی در گلستان هنر قمی»، ص ۳۵۵.